

عدالت ترمیمی

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال پنجم)
شماره ۱۸ / زمستان ۱۳۹۸ / ص ۴۱-۵۱

سمیه رحمانی^۱، حمیده ره انجام^۲، حمیدرضا قاسمی^۳

^۱ کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان

^۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان دکترای حقوق خصوصی

^۳ استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان، دکترای حقوق خصوصی

نویسنده مسئول:

سمیه رحمانی

چکیده:

نظریه عدالت ترمیمی، مفهومی جدید در حوزه عدالت کیفری است. این نظریه یش از کیفر بزهکار به خسارت وارده ناشی از بزه تاکید دارد. عدالت ترمیمی روشی است که می تواند مکمل عدالت سنتی مبتنی بر سزادهی محسوب شود. عدالت زمانی محقق می شود که در جهت اصلاح آسیب های ناشی از بزه جبران و التیام این آسیب ها اقدام شود و نیازهای مادی و معنوی بزه دیده شناسایی شده و در جهت رفع این نیازها تلاش شود در این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی به ابعاد و آثار جلوه های عدالت ترمیمی در حقوق کیفری ایران پرداختم، بعد از بررسی آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در کل می توان چنین نتیجه گیری نمود، شیوه های عدالت ترمیمی، همه کسانی را که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم درگیر اختلاف پدید آمده هستند، وارد فرآیند صلح می کند. مشارکت جامعه در این فرآیندها دیگر انتزاعی نیست، بلکه بسیار مستقیم تر، عینی تر و مناسب وضعیت هایی است که طرفین دعوی داوطلبانه در حل و فصل جرم مشارکت دارند. در ایران رسیدن به صلح و آشتی در دعاوی که در واقع هدف غایی عدالت ترمیم نیز می باشد، از دیرباز مورد توجه قانونگذار بوده است، به گونه ای که می توان گفت در سطح قوانین داخلی، پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۷۵، مقنن در بند یکم اصل ۱۵۶ «قانون اساسی» یکی از وظایف قوه قضاییه را حل و فصل دعاوی و رفع خصومات بین افراد بر شمرده است که عمل به این اصل، تا پیش از تصویب «قانون آیین دادرسی کیفری» مصوب سال ۱۳۹۲ و «قانون مجازات اسلامی» مصوب سال ۱۳۹۲ عمدتاً از طریق قضات تحکیمی که در ماده (۶) ق.ت.د.ع.ا. (در امور کیفری) مصوب سال ۱۳۷۸ بدین صورت پیش بینی شده بودند محقق می شد، علاوه بر این مقنن ایران در لوایحی از جمله «لایحه قانونی تشکیل دادگاه های اطفال و نوجوانان» مصوب ۱۳۸۷/۹/۲۴، رویکرد ترمیمی همچون میانجیگری کیفری را لحاظ نموده بود. پس از تصویب، «قانون آیین دادرسی کیفری» و «قانون مجازات اسلامی» در سال ۱۳۹۲، باب تازه ای از سیاست جنایی مشارکتی در قوانین ایران گشوده شد و مقنن روش ها و شیوه های ترمیمی و نیمه ترمیمی مختلفی از جمله میانجیگری، تعلیق تعقیب، تعویق تعقیب را در «قانون آیین دادرسی کیفری» و همچنین تعویق صدور حکم، جایگزین های حبس و نظام نیمه آزادی را «در قانون مجازات اسلامی» برای نخستین مرتبه در قوانین کیفری به کار گرفت. این موارد را می توان به نهادهایی همچون در خواست ترک تعقیب، آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات؛ که شرایط جدیدی، اعم از ترمیمی- کیفری، به آنها اضافه و در قوانین مصوب سال ۱۳۹۲ گنجانده شد، اضافه نمود که در مجموع این نهادها و رویکردها سبب شکلگیری پاسخ های جدیدی به جرم و کجروی در قوانین ایران شد.

واژگان کلیدی: عدالت ترمیمی، قانون دادرسی کیفری، عدالت کیفری، جرم شناسی

مقدمه

از جمله تحولات اخیر دو دانش سیاست جنایی و جرم شناسی در عرصه بین المللی - که سیاست جنایی ایران نیز در سطوح تقنینی، قضایی و اجرایی از آن مُلَهَم هستند - می توان به چرخش گرانیگاه پارادایم حاکم بر فلسفه امروزی «عدالت کیفری» از رویکرد کلاسیک سزادهی و اربابی، به نگرش ترمیمی و جبرانی اشاره کرد.

نظریه جرم شناختی «عدالت ترمیمی» تفکری است مبتنی بر این منطق است که نظام حقوقی شایسته نظامی است که کلیه کسانی که در خصوص یک جرم خاص سهمی دارند گرد هم می آیند تا به طور جمعی درباره چگونگی برخورد با آثار و نتایج بزه و مشکلات ناشی از آن برای آینده تصمیم بگیرند. اصول و اهداف عدالت ترمیمی عبارتند از: جبران، بازپذیری، مشارکت و رویکرد غیرسزاده. عدالت کیفری ترمیمی درست برعکس تفکر سزاده، با حمایت از بزه دیده از یک سو و جایگزین کردن «شرم بازسازگارکننده» به جای «شرم مخرب» در بزهکار از سوی دیگر و نیز با مشارکت دادن حلقه های جامعه محلی در فرآیند دادرسی کیفری، از خشونت حقوق کیفری می کاهد و «اجتماع محوری» را برای نهادهای جزایی به ارمغان می آورد.

بنابراین برنامه های عدالت ترمیمی، بزه دیده، بزهکار و دیگرانی که به نحوی تحت تاثیر جرم واقع شده اند را قادر می سازد که در مقابله با جرم دخالت مستقیم داشته باشند. افراد یاد شده در مرکز فرآیند عدالت کیفری قرار می گیرند. دولت و حقوقدانان نیز تبدیل به تسهیل کنندگان سیستمی می شوند که هدف آن پاسخگویی بزهکار، بازسازی آسیب های وارد شده به بزه دیده و همیاری کامل بزه دیده، بزهکار و جامعه است. در واقع فرآیند دخالت تمام طرفین، شرط بنیادین دستیابی به برون داد اصلاح و آرامش است. تعریفی از عدالت ترمیمی که به طور فزاینده در گفتمان بین المللی بکار برده می شود بر فرآیند و برون داد به نحو توانمند تاکید دارد. عدالت ترمیمی فرآیندی است که به موجب آن، طرفین در خصوص چگونگی رسیدگی به پیامدهای جرمی معین، تصمیم گیری می کنند.

از سوی دیگر، نظریه جرم شناختی عدالت کیفری ترمیمی، از چالش برانگیزترین کانون های مطالعه بین رشته ای میان آموزه های فقه جزایی با مدرنیسم علمی در حوزه دانش حقوق است. راهبردهای سیاست جنایی غرب در واکنش جزایی به بزه، بسیار موقتی بوده و چرخش گرانیگاه در آنها - از عدالت سزاده به عدالت بازپرور و از آن به عدالت اربابی و اکنون عدالت ترمیمی - بر جرم شناسان کاملاً مشهود است. در حالی که گفتمان غربی عدالت ترمیمی ره آورد چاره جویی برای مهار بحران هایی همچون افزایش جمعیت کیفری زندان ها و نارضایتی مردم از چیرگی هدف سزادهی بر منطق حاکم بر نظام های قضایی و پلیسی دولت های غربی است، اما محوریت گفتمان اسلامی عدالت ترمیمی بر پایه اصول و تأسیسات متنوعی از جمله ترغیب به بزه پوشی، عفو در تعزیرات حق الهی و حق الناسی، درء حد، اصلاح ذات البین، حکمیت، شفاعت، ماهیت جبرانی دیه، قاعده لایبطل، قاعده جب توبه و ... حاکی از توانمندی سیاست جنایی اسلامی در اجرای عدالت ترمیمی بدون نواقصی است که سیاست جنایی غربی همچنان پس از چهار دهه از تولد این نظریه جرم شناسی با آن روبروست.

می دانیم «سیاست جنایی» رشته ای از علوم جزایی است و به معنای کلیه تدابیری است که برای مقابله با جرم و انحراف توسط دولت و جامعه صورت می گیرد. (مارتی، ۱۳۸۱، ص ۲۴) سیاست جنایی از زیربخش های سیاست عمومی محسوب می شود. سیاست جنایی اسلامی، یک «سیاست جنایی ارزشی» یا ایدئولوژیک است که متکی بر بایدها و نبایدهایی است که فقط محصول تحقیقات میدانی و آمارهای جنایی نبوده، بلکه مستند به اصول اخلاقی یا فرامین شرعی و یا ارزش های فرهنگی جامعه است. (قیاسی، ۱۳۸۵، ص ۱۵)

بررسی آیات قرآن کریم نشانگر هوشمندی و همه جانبه نگری سیاست جنایی و حیانی اسلام در اجرای کیفرهای دنیوی است؛ اهدافی چون اجرای قسط و عدالت، اهتمام به حقوق مجرم، توجه به اجتماع مسلمان و مشارکت دادن ایشان در فرایند کیفری، تقدم کارکرد اصلاحی و بازدارنده بر کارکرد ایلامی، منع کارکرد استخفافی مجازات های اسلامی، ارجحیت پیشگیری اولیه از وقوع بزه، حفظ حریم خصوصی و دهها آرمان و فضیلت دیگر. قرآن کریم مملو از آیاتی است که ظرفیت های سرشاری جهت استفاده از سازوکارهای مورد توصیه نظریه عدالت ترمیمی است. شارع مقدس اسلامی تمایل چندانی به ارجاع مردم به نظام رسمی قضایی جهت قطع دعوا و فصل خصومت ندارد. به عکس، مضامین و حیانی بر اصلاح ذات البین، اصلاح و تأدیب، استنباط ارباب و تغلیظ کیفر، درء حد، تشدید شرائط اثبات جرائم مستوجب عقاب شدید، بزه پوشی و بطور کلی راهبردها و تأسیسات ارفاقی تأکید فراوان دارند. در سیاست جنایی قرآن کریم، اصل انحصاریت مرجع پاسخ دهی کیفری به بزه و به عکس، تعمیم پذیری پاسخ های غیرکیفری، جبرانی و مدنی در سیاست جنایی مشارکتی مورد تأکید همه جانبه است. ولی در عین حال، سزادهی به مثابه خصیصه عقلانی واکنش ها و یکی از اهداف مربوط به فلسفه مجازات ها فروکاسته نیست. در واقع، مدل دینی ترمیم و عدالت ترمیمی قبل از عدالت کیفری رسمی قضایی مورد تأکید است؛ اگرچه نباید مغفول داشت که الگوی اسلامی سیاست جنایی نافی عدالت کیفری و قضایی رسمی نیست. نتیجه می گیریم که خصیصه حقوق اسلامی - با محوریت منطق حاکم بر سیاست جنایی قرآن کریم - عدالت کیفری صرف، یا عدالت ترمیمی عام و بلامنازع نیست، بلکه در راهبردی چندوجهی حاوی گزاره های ترکیبی ترمیم محور و کیفرمحور رخ عیان می کند. از دیگر سو، گفتمان های عدالت کیفری در سیر تحول جهانی نظام های سیاست جنایی، توجه خود را از جنبه های تنبیهی و اصلاحی به سوی جنبه ترمیمی ضمانت اجراهای جزایی منعطف کرده اند و از رهگذر ترمیم

خسارت های بزه دیده و درگیر کردن بزهکار در فرایند ترمیمی، در پی آنند که مجرم را با پیامدهای وخیم جرمش آشنا کنند و بدین وسیله موجبات بازیکپارچگی او با هنجارهای اجتماعی را فراهم سازند. بدین سان، علاوه بر جبران خسارت بزه دیده، تنبیه و اصلاح و درمان نیز ممکن می گردد.

همپای مزایا، خوانش و گفتمان اروپایی عدالت ترمیمی با چالش های نظری و کاربردی فراوانی روبروست که ادامه چیرگی این نظریه عدالت کیفری بر منطق نظام های معاصر سیاست جنایی را با تردید مواجه کرده است؛ کاستی هایی از جمله: فقدان چهارچوب معین برای برنامه های ترمیمی جایگزین فرایندهای کیفری رسمی، استفاده از بزه دیدگان برای خارج کردن بزهکاران از گردونه نظام کیفررسانی زندان محور و پرهزینه از جهت صرف وقت و هزینه مشاوره برای جرائم کم اهمیت، فقدان بازدارندگی برنامه های ترمیمی در جرائم خطیر، ورود به حریم خصوصی مجرم و عدم توجه به مسائل اصلی بزهکاری و پرداختن به جرائم خفیف و کمتر خطرزا.

سیاست جنایی قرآن کریم اما عاری از ایرادهای وارد به مدل غربی عدالت ترمیمی است؛ چه اولاً به اذعان بسیاری از پیش کسوت های عدالت ترمیمی اروپایی، یکی از مبانی طرح حمایت از بزه دیدگان که عدالت ترمیمی منادی آن است، مبنای ایدئولوژیک و فلسفی آن است و گفتمان غربی، این مبنا را آیین های سازش در تعالیم الهی ملل شرقی برگرفته است. اصولاً این امر در نظام های حقوقی مبتنی بر مذهب صادق است، زیرا حمایت از مظلوم و دفاع از بزه دیده موجب خشنودی پروردگار می شود. (قمی، ۱۳۸۰، ص ۲۵۵) جلوه های عدالت ترمیمی در مجازات های فقهی، قواعد فقهی و تأسیس های فقه جزایی ظرفیت قرار گرفتن در جایگاه محور منابعی را خواهد داشت که «مدل اسلامی/ ایرانی عدالت ترمیمی» از این سرچشمه ها قابل استخراج و تفویض شدن است؛ امری که نیازمند توسعه این تحقیق از رهگذر تألیف پژوهش های بعدی است.

از آنجا که از یک سو بسیاری از صاحب نظران درصدد چاره جویی و ارائه جایگزین هایی برای مجازات های سنتی ناکارآ (خصوصاً مجازات حبس) برآمده اند و این جایگزین ها در نظام حقوق جزای موضوعه ی کشورها به شکل یک سری تأسیسات ارفاقی از جمله آزادی مشروط، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، تعویق و تعلیق مراقبتی، میانجی گری، جزای نقدی روزانه و خدمات عام المنفعه ای اجتماعی تبلور یافته اند و از سوی دیگر، در سیر تحول سیاست جنایی تقنینی و قضایی و اجرایی جمهوری اسلامی ایران در همواره شاهد توجه مسئولان سیاست گذاری جنایی کشورمان به عدالت ترمیمی و واردسازی جلوه های عدالت ترمیمی به حقوق ایران بوده ایم، لازم است آخرین تحولات سیاست جنایی تقنینی ایران از حیث واردسازی آموزه های عدالت ترمیمی به قوانین کیفری کشورمان را بررسی کنیم. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مهم ترین قانون جزایی است که جلوه های عدالت ترمیمی در آن بروز یافته است. از این رو، مطالعه تطبیقی این قانون – و بالأخص سازوکارها و تأسیسات ارفاقی/ ترمیمی نوین آن نظیر تعویق صدور حکم، مجازات خدمات اجتماعی، تعلیق مراقبتی، میانجی گری و سازش و گذشت و ... موضوع تحلیل در این مقاله قرار می گیرد.

گفتار اول : میانجیگری

میانجیگری در فقه در قالب اصلاح ذات بین، حکمیت و شفاعت به عنوان روش های اجرای «عدالت ترمیمی» از دیگر شیوه های اِعمال این تئوری در فقه کیفری اسلام است

قدیمی ترین شیوه مداخله عدالت ترمیمی در حل و فصل اختلافات که از ۳۲ سال پیش تاکنون در کانادا ایالات متحده و اروپا در حال اجرا بوده گفتگوی بزه دیده- بزهکار و میانجیگری میان آنهاست. بررسی ها نشان می دهد که در حال حاضر بالغ بر ۱۳۰۰ برنامه میانجیگری در سرتا سر دنیا در حال اجرا است (۳۰۲ برنامه در ایالات متحده، ۴۵۰ برنامه در آلمان، ۱۷۵ برنامه در فنلاند و ۱۵۹ برنامه در فرانسه) بیشتر پرونده ها یی که به برنامه های میانجیگری ارجاع داده می شوند جرایم مالی است که در واقع جرایم با درجه کم اهمیت تر است که توسط جوانان و بزرگسالان انجام می شود.

این فرایند به صورت خاص شامل فرایندهای پیش از محاکمه و دادرسی به منظور انحراف از سیستم قضایی رسمی است و به دستورات و احکام مربوط به دادرسی ختم می شود و معمولاً حاصل کار میانجیگری به آگاهی دادستان یا قاضی می رسد تا مورد ملاحظه قرار گیرد. در این گفتار نخست به بررسی فرایند میانجیگری و انواع آن از حیث نوع و مدل میانجیگری پرداخته و سپس برآیند و نتیجه میانجیگری را بررسی می نمایم.

بند اول : ابعاد ترمیمی

نشست های گروهی- خانوادگی با هدف پاسخگویی به بزه دیده با محوریت یک تسهیل کننده تشکیل می شود و در آن بزه دیده و بزهکار به علاوه جامعه محلی آنها شرکت می کنند. در این نشست ها برخلاف سایر شیوه های عدالت ترمیمی که به جرایم سبک و متوسط رسیدگی می کند به جرایم خطرناک و نیمه مهم (به استثنای قتل عمد و غیرعمد) نیز رسیدگی می شود و به عنوان جایگزین دادگاه عمل

می‌نماید. در سال ۱۹۸۹ دول نیوزلند رویکرد جدیدی را در برخورد با بزهکاری جولنان و نوجولنان در پیش گرفت. در این سال قانون کودکان، نوجوانان و خانواده‌های آنها تصویب شد و در آن روشی بنام نشست‌های گروهی- خانوادگی ایجاد و آن را جایگزین دادگاههای جولنان (بین سنین ۱۴ تا ۱۶ ساله) نمود. این اصلاحات و تغییر قوانین نتیجه تجربیات و مطالعات سیستم عدالت جامعه مائوری بود که خود نشان از نگرانی جامعه مائوری در رابطه با رشد آمارهایی بود که نشان می‌داد جولنان مائوری از سیستم‌های بومی مائوری دور شده و به سمت شیوه‌های رسمی قضایی کشیده می‌شوند.

فرهنگ مائوری به جای آنکه شخص مدار باشد اجتماع‌مدار است. هر شخص نقش مهمی در خانواده دارد، دور شدن کودکان برای فرهنگ مائوری مخرب است و به خانواده‌هایشان آسیب می‌رساند. مائوری‌ها برای رسیدگی به دعوا و حل اختلاف فرایندهایی دارند و در این فرایند خانواده به دلیل نقشی که در یافتن راه حل مشکلات دارد مهم تلقی می‌شود. از آنجا که سیستم نشست‌های گروهی- خانوادگی برگرفته از سیستم مائوری است این دو شباهتهای بسیاری با یکدیگر دارند و البته تفاوتی نیز دارند اما مهم آن است که نشست‌ها قدرت تصمیم‌گیری و قضاوت درباره جرم واقع شده را به شرکت کنندگان می‌دهد. شرکت کنندگان در نشست (سهامداران) عبارتند از بزهکاران، اعضای خانواده‌هایشان، گروههای حامی و بزه دیدگان که اگر بزه دیدگان نتوانند یا نخواهند که در جلسه شرکت کنند نشست متوقف نخواهد شد.

بند دوم: اشکالات وارده در راستای اهداف عدالت ترمیمی

فرآیند میانجیگری در جریان دادرسی های کیفری همواره توأم با جلب مشارکت افراد دخیل در موضوع کیفری و سایر شهروندان و نهادهای جامعه مدنی است. در واقع بدون مشارکت و همکاری این اشخاص، امکان حصول سازش از طریق میانجیگری و ترمیم خسارات و آلام وارد بر بزه دیده وجود ندارد؛ زیرا فرآیند میانجیگری به موجب مقررات صدر ماده ۸۲ مستلزم موافقت بزه دیده و مشارکت او در جریان میانجیگری است و از طرفی دیگر امکان ارجاع امر به میانجیگری بدون درخواست متهم وجود ندارد.

بدین ترتیب در حالی که سیستم عدالت کیفری رسمی، در اعمال کیفر و دیگر ضمانت اجراها به صورت یک طرفه و تحمیلی عمل کرده و بزهکار قبل و بعد از محکومیت هیچ نقشی در تعیین سرنوشت خویش نداشته و از ابتدا تا انتهای ورود به چرخه نظام عدالت کیفری، حق انتخابی برای وی متصور نیست، در فرآیند میانجیگری کیفری، مجرم آگاهانه و با علم و اختیار وارد فرآیند میانجیگری می‌شود و در هر مرحله ای نیز می‌تواند از مشارکت خویش در این فرآیند صرفنظر کرده و به سیستم دادرسی رسمی رجوع کند. پس در چنین فرآیندی، مجرم از یک نقش آفرین منفعل در دستگاه عدالت کیفری رسمی، به یک نقش آفرین فعال در میانجیگری کیفری تبدیل می‌شود و با مشارکتی که در این فرآیند از خود بروز می‌دهد و بر مبنای امکاناتی که در اختیار دارد در فرآیند عدالت ترمیمی، داوطلبانه نقشی تعیین کننده ایفا می‌کند. قانونگذار ایران نیز در تصویب مقررات ماده ۸۲ قانون دادرسی کیفری به نقش غیرقابل انکار جامعه مدنی در فرآیند میانجیگری های کیفری بی توجه نبوده و اعمال دستاوردهای عدالت ترمیمی را توأم با اعمال سیاست جنایی مشارکتی مورد پذیرش قرار داده است. با این حال برای اجرای دقیق مفاد ماده مذکور و تعیین شیوه ارجاع به میانجیگری و رفع ابهامات تقنینی در این خصوص، ضرورت داشت بر مبنای ماده ۸۴ قانون دادرسی کیفری، آیین نامه اجرایی میانجیگری در امور کیفری به تصویب برسد که در نهایت بنا به پیشنهاد وزیر دادگستری این آئین نامه در ۳۸ ماده به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید. در این آئین نامه ضمن تعاریف و اصطلاحات، به موارد مهمی همچون نحوه ارجاع به میانجیگری، انتخاب میانجیگر و شرایط آن، شرایط و نحوه تاسیس موسسات میانجیگری و نظارت بر فرآیند میانجیگری اشاره شده و در خصوص آنها تعیین تکلیف شده است. تصویب این آئین نامه موانع عملی پیش روی ارجاع امر به میانجیگری در فرآیند دادرسی های کیفری را برداشت. پس چنانچه قضات شاغل در دستگاه قضایی نیز با این سنخ از دستاوردهای جدید علوم جنایی آشنا بوده و بر اجرای عملی آن اعتقاد داشته باشند؛ در مورد بسیاری از جرایم خرد امکان خروج موضوع از فرآیند معمول و عادی قضایی میسر شده و با قضا دایی، موضوع کیفری در خارج از دستگاه قضایی قابل حل و فصل خواهد بود.

گفتار دوم: ابعاد ترمیمی ترک تعقیب

تاسیس حقوقی " قرار ترک تعقیب "، از مباحث مربوط به حقوق کیفری شکلی است که برای اولین بار در ایران در قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۴/۱۶ متجلی شد. با وجود اینکه تاسیس مذکور بدیع و نو می‌باشد. لازم بود که مقنن برای بیان آن تفصیل بیشتری قائل می‌شد، صدور قرار ترک تعقیب در ماده ی ۱۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ پیش بینی شده بود، اما ابهامات و ایرادات زیادی از جمله در مورد مرجع صادرکننده ی قرار ترک تعقیب و نوع جرایمی که امکان صدور قرار نسبت به آن ها وجود داشت. سوال های دیگری نیز مطرح می کرد مانند آن که: صدور قرار ترک تعقیب

به درخواست مدعی خصوصی تا چند نوبت جایز است؟ و اگر مدعی خصوصی تعقیب مجدد را درخواست کند، آیا تعقیب از اول شروع می شود یا از همان جا که متوقف مانده، ادامه می یابد؟

قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) با پیش بینی موضوع قرار ترک تعقیب در ماده ی ۷۹ به این ابهامات اینگونه پاسخ داده است: «در جرایم قابل گذشت، شاکی می تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست ترک تعقیب کند. در این صورت، دادستان قرار ترک تعقیب صادر می کند، شاکی می تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک بار تا یک سال از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب درخواست کند»

از جمله مواردی که در ماده ۷۹ قانون جدید نسبت به قانون قبلی رخ داده است عوض شدن عنوان (حقوق الناس) به جرایم قابل گذشت، است لذا دایره شمول آن محدود تر شده است. اینکه شاکی می تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست ترک تعقیب نماید در راستای تحقق اهداف عدالت ترمیمی و میانجی گری کیفری می باشد.

گفتار سوم: بایگانی کردن پرونده و ابعاد ترمیمی آن

یکی از این مصادیق به منظور متناسب بودن تعقیب «قرار بایگانی شدن پرونده» است که این تأسیس در واقع نوآوری جدیدی است که مقنن با کمک از اصل مذکور در قوانین شکلی یعنی آیین دادرسی مصوب ۹۲ پذیرفته است؛ این موضوع تفکر جدیدی با هدف کاهش جمعیت کیفری و جلوگیری از ورود آن پرونده در چرخه عدالت کیفری است بنابراین این نهاد می تواند نقش مهمی در کاهش حجم ورودی پرونده در محاکم کیفری ایفا کند. با بررسی قانون جدید و آیین دادرسی کیفری نوآوری های آن در مرحله تعقیب می بینیم که سیستم قانون بودن در نظام ما چرخش ۱۸۰ درجه ای به سوی سیستم موقعیت داشتن یا مقتضی بودن تعقیب برداشته یعنی به دادستان اختیاراتی داده است که حق بایگانی کردن پرونده علی رغم وجود شاکی حق ارجاع پرونده به جایگزین های تعقیب با استفاده از جایگزین ها به جای تعقیب کیفری از جمله ارجاع به میانجیگری یا در مواردی کیفرخواست شفاهی که خود از موارد تسریع در رسیدگی می باشد برخوردار می باشد.

الف: تعلیق ساده تعقیب (بایگانی ساده پرونده) موضوع ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

قانون آیین دادرسی کیفری با الهام از قانون فعلی آیین دادرسی کیفری فرانسه به تصویب رسیده است. دادستان در سیستم فرانسه در صورت وقوع جرم ۲ اختیار دارد: ۱- تعقیب کیفری ۲- بایگانی کردن ساده پرونده با بایگانی غیرمشرط. در مورد دوم یعنی دادستان با بررسی که در مورد پرونده انجام می داد تشخیص می داد که تعقیب کیفری جرم به صلاح نیست چراکه تعقیب هر موضوع کیفری باعث تراکم پرونده ها در مراجع کیفری چه دادسرا و چه دادگاه می شد. در واقع دادستان پرونده را بایگانی می کردند بزه دیده را برای جبران خسارت به کمیسیون های مربوطه ارجاع می داد.^۱ در این قانون که تحت شعاع سیستم موقعیت داشتن تعقیب که از سیستم قانونی بودن تغییر یافته در ماده ۸۰ قانون به دادستان اختیار بایگانی کردن ساده را داده است. طبق مقررات این ماده در جرایم تعزیری ۷ و ۸ (جرایم سبک) چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده در صورت فقدان سابقه محکومیت کیفری مقام قضایی می تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و احوالی که باعث وقوع جرم شده است و در صورت اخذ التزام کتبی از متهم فقط یکبار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر کند، این بایگانی ساده و غیرمشرط است. معادل این اختیار در حال حاضر در سیستم ما وجود ندارد. یعنی فرض کنید جرمی واقع شده از درجه ۷ و ۸ شاکی ندارد دادستان بجای تعقیب قرار بایگانی پرونده را صادر نماید. قرار بایگانی کردن پرونده ظرف ۱۵ روز از تاریخ ابلاغ در دادگاه کیفری مربوطه قابل اعتراض است.

ب: تعلیق تعقیب مراقبتی (بایگانی مشروط) موضوع ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

از طریق مصالحه کیفری

مصالحه کیفری از کشورهای کامن لا بجای دیگر صادر شد. قلمرو مصالحه بین دادستان متهم در کامن لا وسیع است. در جرائم مهم نیز دادستان به متهم در خصوص تعقیب با عدم تعقیب به سازش کیفری می رسند. اما چون قوانین ایران اکثراً و اکنون این قانون از حقوق

^۱ - ماده ۸۰: در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸: چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد در صورت فقدان سابقه محکومیت موثر کیفری مقام قضایی می تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت یا اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی فقط یکبار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر کند این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

فرانسه تعقیب نموده‌اند. سابقه مصالحه کیفری در حقوقی فرانسه را بیان می‌کنیم: در فرانسه در سال ۱۹۹۹ قانونگذار اعتراض بزه دیدگان بایگانی ساده پرونده‌ها از طرف دادستان نهاد مصالحه کیفری که توافق بین دادستان و متهم است پیش‌بینی شد. در این توافق دادستان یک امتیاز به متهم می‌داد و از تعقیب خودداری می‌کرد و متهم در عوض: ۱- با اقرار به ارتکاب جرم امتیازی به دادستان می‌داد ۲- از تدابیر و دستوراتی که دادستان به او پیشنهاد می‌کرد مانند: انجام کار در مؤسسات عمومی و ترک اعتیاد و محدودیت در رفت و آمد به مکانهای خاص، از سوی متهم دادستان پرونده را بایگانی می‌کرد. در صورت موفقیت سازش کیفری پرونده مختومه خواهد شد تحت عنوان تدابیر تنبیهی. حال وقتی وارد قانون می‌شویم باید ببینیم حقوق متهم در بحث تعلیق یا مصالحه کیفری چگونه پیشینه شده است.

گفتار چهارم: تعلیق تعقیب و رویکرد ترمیمی آن

نهاد تعلیق تعقیب، تاسیس نسبتاً جدیدی در نظام های کیفری پیشرفته جهان محسوب می‌شود که در ایران نیز از اوایل دهه ۱۳۵۰ متداول شده است. این نهاد دارای دو نوع شمول است: ۱- شمول عام که نسبت به همه شهروندان است. ۲- تعلیق خاص که نسبت به اقشاری خاص شمول دارد. در ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری در جرایم تعزیری ۶، ۷ و ۸ که مجازات آنها قابل تعلیق است چنانکه شاکی نباشد^۱. گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موفقیت بدین ترتیب پرداخت آن را در مدت مشخصی داده شود که در این مورد قلمرو مصالحه کیفری محدود شده و نقش شاکی پررنگ به خلاف حقوق فرانسه که شاکی نقش پررنگی ایفا نمی‌کند آنجا که چنانچه یکی از پیشنهادهایی که دادستان به متهم در خصوص مصالحه کیفری ارائه می‌کند مهمترین آنها پیشنهاد پرداخت خسارت شاکی است چون در اصل مصالحه بین دادستان و متهم است. در ادامه تعلیق مجازات مشروط بر اینکه متهم فاقد سابقه محکومیت موثر کیفری باشد مقام قضایی می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین مناسب تعقیب وی را از شش ماه تا ۲ سال معلق کند. اصطلاح موافقت متهم همان اقرار متهم است که در نهاد تعقیب در سال ۱۳۵۶ صراحتاً حرف از اقرار متهم بود که اگر متهم اقرار به ارتکاب جرم نماید. دادستان تعقیب را معلق خواهد کرد اما در قانون صحبت از اخذ موافقت متهم است. اخذ موافقت قبولی است که متهم به ایجاب دادستان اعلام می‌کند مانند یک عقد در حقوق مدنی. در اخذ موافقت از متهم از اصل برائت حمایت می‌کند چون متهم مصالحه کیفری را قبول نمی‌کند اصل برائت پشتیبان اوست و در این فرآیند شرکت می‌کند و در نهایت حکم برائت او صادر می‌شود. تدابیر تنبیهی در ماده ۸۱

۱- ماده ۸۱- در جرایم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ که مجازات آنها قابل تعلیق است. چنانچه شاکی وجود نداشته گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه دیده ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت موثر کیفری باشد. دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت دادستان متهم را حسب مورد مکلف به اجرای برخی از دستورهای زیر می‌کند:

- الف- ارائه خدمات به بزه دیده در جهت رفع آثار زیانبار مادی یا معنوی ناشی از جرم یا رضایت بزه دیده
 - ب- ترک اعتیاد از طریق مراجعه به پزشک، درمانگاه، بیمارستان و یا به هر طریق دیگر حداکثر ظرف شش ماه
 - پ- خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین، حداکثر به مدت یک سال
 - ت- خودداری از رفت و آمد به محل یا مکان معین، حداکثر به مدت یک سال
 - ج- انجام دادن کار در ایام یا ساعات معین در مؤسسات عمومی یا عام المنفعه یا تعیین دادستان، حداکثر به مدت یک سال
 - چ- شرکت در کلاسها یا جلسات آموزشی، فرهنگیو حرفه‌ای در ایام و ساعات معین، حداکثر به مدت یک سال
 - ح- عدم اقدام به رانندگی یا وسایل نقلیه موتوری و تحویل دادن گواهینامه، حداکثر به مدت یک سال
 - خ- عده حمل سلاح دارای مجوز با استفاده از آن، حداکثر به مدت یک سال
 - د- عده ارتباط و ملاقات با شرکاء جرم و بزه دیده دادستان، برای مدت معین
 - ذ- ممنوعیت خروج از کشور و تحویل دادن گذرنامه با اعلام مراتب به مراجع مربوط، حداکثر به مدت شش ماه
- تبصره ۱- در صورتی که متهم در مدت تعلیق به اتهام ارتکاب یکی از جرایم مستوجب حد، قصاص یا تعزیر درجه هفت و بالاتر مورد تعقیب قرار گیرد و تعقیب وی منتهی به صدور کیفرخواست گردد و با دستورهای مقام قضایی را اجرا بکند قرار تلیق، لغو و با رعایت مقررات مربوط به تعدد تعقیب به عمل می‌آید و مدتی که تعقیب معلق بوده است جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود. چنانچه متهم از اتهام دوم تبرئه گردد دادگاه قرار تعلیق را ایفاء می‌کند. مرجع صادر کننده قرار نکلف است به مفاد این تبصره در قرار صاره تصریح کند.
- تبصره ۲- قرار تعلیق تعقیب، ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه صالح است.
- تبصره ۳- هر گاه در مدت قرار تعلیق تعقیب معلوم شود که متهم دارای سابقه محکومیت کیفری موثر است. قرار مزبور بلافاصله به وسیله مرجع صادر کننده لغو و تعقیب از سرگرفته می‌شود. مدتی که تعقیب معلق بوده است جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود.
- تبصره ۴- بازپرس می‌تواند در صورت وجود شرایط قانونی، اعمال مقررات این ماده را از دادستان درخواست کند.
- تبصره ۵- در مواردی که پرونده بطور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود دادگاه می‌تواند مقررات این ماده را اعمال کند.
- تبصره ۶- قرار تعلیق تعقیب در دفتر مخصوصی در واحد سجل کیفری ثبت می‌شود و در صورتی که متهم در مدت مقرر ترتیبات در قرار را رعایت ننماید تعلیق لغو می‌گردد.

پیشینه شده بعضی از این تدابیر ناظر حمایت بزه دیده است. بند الف: ارائه خدمات به بزه دیده در جهت رفع با کاهش آثار زیان بار مادی و معنوی ناشی از جرم را رضایت بزه دیده در برخی از تدابیر امنیت بزه دیده مورد نظر است. بند د: عدم ارتباط و ملاقات، شرکاء جرم و بزه دیده به تعیین دادستان برای مدت معین. تدابیر ماده ۸۱ (بند الف تا د) اغلب دارای سابقه و ماهیت کیفری هستند به نوعی مجازات می باشند برای همین است که شورای قانون اساسی فرانسه ایراد گرفت که این تدابیر که جنبه مجازات دارند در حیطه اختیارات دادگاه می باشند نه دادسرا که با تایید قرار توسط دادگاه این ایراد به گونه ای رفع شد اما در لایحه تفکیک بین مقام تعقیب و صدور رأی مورد توجه قرار نگرفته در بعضی از تدابیر به نحوی حقوق متهم محدود شده که به عنوان تنبیه فرد مورد نظر می باشد بندهای (پ، ت، ج، خ، د و ذ) یک سری محدودیتهای آزادی رفت آمد که منع اشتغال به کار، منع اقدامات مربوط به جرم ارتكابی (رانندگی، حمل سلاح و...) در بعضی موارد متهم مجبور به انجام اعمالی شده مانند بندهای (الف، ب، ت، ج و چ) پیش بینی شده که در صورت انجام یک یا چند مورد از آنها دادستان در مقابل تعقیب وی را معلق می کند.

گفتار پنجم: موضوع ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

در ماده ۴۸۳ قانون دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ چنین آمده هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم غیر قابل گذشت، پس از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف نظر کند، محکوم علیه می تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، درخواست کند در میزان مجازات او تجدیدنظر شود. در این صورت، دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده و با حضور دادستان یا نماینده او با رعایت مقررات ماده (۳۰۰) این قانون، رسیدگی می کند و مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف می دهد یا به مجازاتی که مناسبتر به حال محکوم علیه باشد، تبدیل می کند. این رأی قطعی است. در تحلیل این ماده می توان چنین گفت براساس ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی جرایم از نقش شاکی خصوصی (بزه دیده) در شروع به تعقیب جرم و اثر رضایت بزه دیده در موقوفی تعقیب و اجرای مجازات به جرایم قابل گذشت و غیر قابل گذشت تقسیم می شوند. در جرایم قابل گذشت در واقع قانونگذار بیش از اینکه جرم را تعدی به حقوق عمومی و دارای جنبه عمومی بداند، وقوع آن را نقض روابط میان افراد جامعه در نظر گرفته است. ظرفیت اعمال الگوهای ترمیمی در این جرایم در کلیه مراحل عدالت کیفری بسیار بالا است. لذا در مرحله اعمال مجازات نیز مانند سایر مراحل فرایند سیستم عدالت کیفری باید کلیه تلاش مسئولین عدالت کیفری و خصوصاً قاضی ناظر زندان در اصلاح ذات البین میان سهام داران جرم باشد اما در جرایم غیر قابل گذشت نیز به نتیجه رسیدن الگوهای ترمیمی و حصول توافق میان بزهکار و بزه دیده بی تاثیر در میزان مجازات در نظر گرفته شده برای بزهکار نیست. براساس ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی (بزه دیده) در جرایم غیر قابل گذشت بعد از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف نظر نماید محکوم علیه (بزهکار) می تواند با استرداد شکایت از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، درخواست کند که در میزان مجازات تجدید نظر نماید. وجود چنین نهادی در جرایمی که قانونگذار جنبه عمومی جرم را بر جنبه خصوصی آن ترجیح داده است نشان دهنده حمایت از بزه دیده و اقدامات ترمیمی بزهکار است.

یکی از نهادهایی که به منظور میانجیگری و ایجاد بستر الگوهای ترمیمی در آیین نامه سازمان زندانها مصوب ۱۳۸۴ پیش بینی شده، ایجاد شعبه ای از شوراهای حل اختلاف در هر مرکز حرفه آموزی و اشتغال یا زندان با نظر سازمان و در چارچوب قانون و آیین نامه اجرایی شوراهای حل اختلاف است، که هدف از آن در ماده ۱۸۶ آیین نامه، حل اختلاف محکومان و شاکیان خصوصی یعنی بزه دیدگان است. روسای زندان ها، بازداشتگاهها و مراکز حرفه آموزی اشتغال نیز مکلفند برای انجام این امر اقدام و در حد توانایی همکاری لازم بعمل آورند. اعضای این شورا میتوانند تحت نظارت مقامات قضایی و مسئولین زندان در ترمیمی شدن زندان تلاش نمایند. قضات ناظر زندان می توانند با تسلطی که بر امور اداره زندان دارند و نیز با توجه به ارتباط مستقیم با زندانیان در زندان آنها را تشویق به مشارکت داوطلبانه در اقدامات ترمیمی و جلب رضایت بزه دیده نمایند و با استفاده از اختیارات قانونی خود بستر مواجهه حضوری میان بزهکار و بزه دیده را فراهم نمایند و فرصت لازم را برای اجرای تعهدات ترمیمی از سوی بزهکار در اختیار وی قرار دهند. (سماواتی پیروز، ۱۳۸۴، ص ۴۹)

گفتار ششم: ابعاد ترمیمی اعطای مرخصی به محکومان

بر اساس تبصره ۳ ماده ۵۲۰ قانون دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مواردی که زندانی دارای شاکی خصوصی است و بنا به تشخیص دادستان یا قاضی اجرای احکام، اعطاء مرخصی می تواند در جلب رضایت شاکی مؤثر باشد، در بسیاری از موارد زندانیان به دلیل عدم دسترسی به شاکی نمی توانند نسبت به اخذ رضایت شاکی اقدامی انجام نمایند، مرخصی این فرصت را به زندانی می دهد تا در راستای تحقق عدالت ترمیمی و تحقق میانجی گری کیفری اقدام نماید اینجانب شخصا این گونه موارد را مشاهده نموده ام که زندانی در ایام

مرخصی و با میانجیگری اقوام توانسه رضایت شاکی را بگیرد. در کل مواد ۵۱۶ الی ۵۲۲ که سابقه ای در قوانین قبلی ندارند در جهت ضابطه مند و شفاف شدن حقوق محکوم علیه و تعیین تکلیف مقامات و تحقق میانجی گری کیفری با استفاده از پررنگ نمودن حضور شاکی در اعطای مرخصی و تحقق عدالت ترمیمی می باشد (سلیمی، ۱۳۹۳ ص ۳۶۸)

گفتار هفتم: تاملی در قانون جدید شورای حل اختلاف با محوریت اهداف عدالت ترمیمی

با ایجاد شوراهای حل اختلاف به موجب ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه، اصلاح ذات البین و سعی در ایجاد صلح و سازش بین طرفین دعوی، یکی از وظایف شوراهای حل اختلاف قرار داده شده است. لذا یکی از برنامه های مهم این نهاد ایجاد صلح و آشتی و دوستی بین طرفین اختلاف از طریق ترمیم و جبران خسارت های وارد شده است. با توجه به تجربه موفق حاصل از شکل گیری شوراهای حل اختلاف و هم چنین دستیابی به رضایت مندی اکثریت مردم در روند رسیدگی های حقوقی و کیفری و... نیاز به تصویب قانون جدید شورای حل اختلاف بیش از پیش احساس شد و همین امر موجب طرح و تصویب قانون جدید در ۱۳۹۴/۱۱/۷ توسط شورای نگهبان و مجلس محترم شورای اسلامی و لازم الاجرا شدن آن در ۱۳۹۴/۱۱/۲۴ گردید.

اما با این وجود می توان گفت که در قانون جدید شوراهای حل اختلاف سعی شده است تا همان ساختار قبلی شورا حفظ شود و فقط در برخی موارد همچون صلاحیت، هزینه ی دادرسی و... تغییراتی حاصل شده است، باید توجه داشت که از حدود ۳۵ سال پیش در پی ناکارآمدی سیستم عدالت کیفری که تنها راه مقابله و پیشگیری از جرایم را مجازات می دانست، سیستم جدیدی تحت عنوان عدالت ترمیمی مطرح شد؛ بدین معنا که پس از وقوع جرم به جای تعقیب و مجازات بزهکار، ترمیم آسیب های ناشی از بزه مد نظر قرار گیرد و بزهکار و نمایندگان غیررسمی جامعه سعی در جبران خسارت بزه دیده و برطرف کردن علل ارتکاب بزه کنند. هنگامی که با تصویب ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه نهادی به نام شورای حل اختلاف پا به عرصه وجود گذاشت، عده ای آن را گامی در راستای تحقق عدالت ترمیمی در جامعه ایرانی ارزیابی کردند. نشانه هایی که در آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۹ برنامه سوم توسعه وجود داشت این برداشت را تقویت می کرد؛ از جمله به کار بردن عبارت "توسعه مشارکت های مردمی" به عنوان یکی از اهداف تشکیل شورای حل اختلاف (ماده ۱) و حذف تشریفات آیین دادرسی (ماده ۱۰). البته باید توجه داشت که شورای حل اختلاف (در امور کیفری) دارای ۲ چهره متفاوت است: ۱- رسیدگی به جرایم کم اهمیت مانند رانندگی بدون گواهینامه و برخی تخلفات بهداشتی ۲- سعی در صلح و سازش و اصلاح ذات البین که این موضوع تا حدودی با سیستم عدالت ترمیمی مطابقت دارد

نتیجه گیری:

با توجه مطالب مقاله چنین می توان نتیجه گیری نمود که نظریه «عدالت ترمیمی» در مقایسه با دیگر تئوری های سیاست جنایی که مُلهم از تحولات دانش جرم شناسی هستند، کارآترین و توانمندترین الگوی نظری ای است که با رعایت شرایطی، اهداف عدالت کیفری را بیشتر از دیگر راهبردهای سیاست جنایی تأمین می کند. تحولات نوین نسبت به سابق، از مکانیسم های عدالت ترمیمی برخوردار است و از این رو از معایب نگرش سزاده کلاسیک به حقوق کیفری موضوعه، کمتر متأثر است.

به رغم مزایای تدابیر ترمیمی مقرر در تحولات نوین مجازات اسلامی، بسیاری از این تدابیر نظیر نظام نیمه آزادی، مجازات خدمات اجتماعی رایگان، تعویق صدور حکم و ... با چالش ها و موانع بسیار زیادی از جهات مختلف مواجه اند و تعارضاتی با بخش هایی از سیاست جنایی کنونی ایران دارند؛ امری که سبب آشفتگی نظام حقوقی ما می شود. قانونگذار ایران همچون برخی دیگر از قانونگذاران اروپایی در استفاده از شیوه های عدالت ترمیمی، سیاستی محافظه کارانه در پیش گرفته است و تلاش نموده است در ضمن توجه به رویکردهای عدالت ترمیمی همچون میانجیگری، از بستر نهادهای کیفری موجود در «قانون مجازات اسلامی» و «قانون آیین دادرسی کیفری» حداکثر استفاده را جهت ترمیم زبان های ناشی از جرم، اصلاح رفتار بزهکاران، توانگری و خنثی کنندگان آنها و غیره نماید. رویکرد مقنن ایران در خصوص شیوه های عدالت ترمیمی به دو بخش تقسیم می شود: نخست رویکرد درون سازمانی عدالت ترمیمی که تنها مورد آن در قابل میانجیگری ظهور نموده است و دارای شرایط خاصی در زمینه صدور حکم بوده و نتایج آن نیز به دو صورت ظاهر می شود؛ موقوفی تعقیب در جرایم قابل گذشت و تعلیق تعقیب در جرایم غیرقابل گذشت. با توجه به ارزیابی های صورت گرفته در کشورهای گوناگون از میانجیگری میان بزه دیده و بزهکار می توان پیش بینی نمود که این نهاد به خوبی خواهد توانست در حل و فصل اختلافات و دعاوی عمل نماید. رویکردهای دسته دوم شامل شیوه های ترمیمی و نیمه ترمیمی می شود که در نهادهای کیفری «قانون آیین دادرسی کیفری» مصوب سال ۱۳۹۲ و «قانون مجازات اسلامی» مصوب سال ۱۳۹۲ پیش بینی شده است که میتوان این رویکردها را رویکردهای برون سازمانی عدالت ترمیمی و یا رویکردهای تفویضی نامید. درواقع، در یک بستر کیفری به شیوه ترمیمی به حل و فصل اختلافات می پردازد که این شیوه ها شامل طیف وسیعی از اقدامات از جمله تعلیق تعقیب، تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم، آزادی مشروط، نظام نیمه آزادی، جایگزین های زندان است، و با وجود تفاوت هایی که در عملکرد و سازکار خود با میانجیگری داشته، لیکن از حیث نتیجه تفاوتی با آن نداشته و می توانند با وجود شرایطی، از جمله رویکردهای از حیث نتیجه تفاوتی با آن و می توانند با وجود شرایطی، از جمله رویکردهای ترمیم- کیفری محسوب شود. از مجموع این رویکردها می توان دریافت که مقنن اهداف مشخص و معینی را دنبال نموده که می توان امیدوار بود که پس از پایان دوره آزمایشی این دو قانون، چشم انداز روشنی از اهداف مقنن نمودار شود. هرچند که ذکر این نکته مهم است که نباید عدالت ترمیمی را ب عنوان رویکرد جایگزین رسیدگی رسمی به دعاوی آنگونه که برخی پنداشته اند تصور نمود؛ بلکه عدالت ترمیمی می تواند به عنوان سیستم رسیدگی موازی با دستگاه عدالت کیفری رسمی در حل و فصل دعاوی و سازش در برخی پرونده ها و برخی بزهکاران کارساز باشد و این دقیقاً همان رویکرد قانونگذار ایران است. رویکرد مقنن به شیوه های ترمیمی با دلایل مختلفی همراه بوده است که این دلایل از حیث نظری شامل حمایت از زبه دیده، که در طول سالیان دراز به نقش وی در رسیدگی به دعاوی کم توجهی شده است، کمک به فهم و درک بهتر بزهکار از آنچه که عمل او به بار آورده و در نتیجه جلوگیری از تکرار جرم در آینده توسط او بوده است. هر چند توجه به این نکته ظریف لازم است که عدالت ترمیمی به دنبال پیشگیری از ارتکاب جرم نبوده و نیست، لیکن به دلیل نوع فرآیندی که در جای داده است به صورت یک مکانیزم زاینده، از ارتکاب جرم پیشگیری می کند.

درکنار آن مقنن با واگذاری حل و فصل دعا به طرفین آن و همچنین استفاده از ظرفیت های جامعه، حسن اعتماد خود را به رویکردهای جامعه رسیدگی ترمیمی نشان داده و ضمن ایجاد نهاد و موسسات مردمی غیردولتی در ماده ۶۶ ق.آ.د.ک. مصوب سال ۱۳۹۲، نهادها و اشخاصی را جهت میانجیگری پیش بینی نموده است که این رویکرد نقطه مقابل اندیشه های انعطاف پذیر سیاست جنایی پیشین ایران در استفاده حداکثر از روش دادگاه های رسمی را نشان می دهد. از حیث عملی نیز با توجه به مشکلات عدیده اقتصادی که در طول یک دهه قبل ارکان مملکت را به لرزه درآورده و صدای شکسته شدن استخوان قوه قضاییه نیز در آن شنید می شود، مقنن را ناچار نموده است تا از سیاست های الزامی بودن تعقیب عدول نموده و با تکیه بر اصل مفید بودن تعقیب، رسیدگی به جرایم کم اهمیت را به طرفین آن واگذار نماید و از این طریق به کم شدن بار هزینه های سرسام آور قضایی کمکی نموده باشد.

منابع

- ۱- ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۴)، نظارت ویدئویی، دلایل موفقیت و شکست، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۱۵ و ۱۶.
- ۲- احمدی، ابراهیم (۱۳۸۷)، «نقض حریم خصوصی، چالشی فراوری پیشگیری وضعی از وقوع جرم»، تهران: فصلنامه مطالعات پیشگیری از وقوع جرم، سال سوم، ش ۶.
- ۳- اردبیلی، محمد علی. ۱۳۷۹، حقوق جزای عمومی. جلد نخست، تهران: میزان.
- ۴- افراسیابی، مرتضی. ۱۳۸۲، دوره حقوق جزای عمومی. کلیات حقوق جزا. جلد اول، تهران: گنج دانش.
- ۵- آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۳)، شرح غررالحکم و درر الکلم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- آشوری، محمد و علی حسین نجفی ابرندآبادی. ۱۳۹۱، دیپاچه کتاب دفاع اجتماعی مارک آنسل. تهران: گنج دانش.
- ۷- بجنوردی، سیدمحمدکاظم (۱۴۱۷)، القواعد الفقهیه، قم: انتشارات موسسه نشر اسلامی.
- ۸- بریث ویت، جان (۱۳۸۳)، پیوند دادن پیشگیری از جرم به عدالت ترمیمی، ترجمه علی شریف زاده، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸ و ۴۹.
- ۹- بوسار، آندره (۱۳۷۵)، بزهکاری بین المللی، ترجمه نگار رخشانی، تهران: انتشارات گنج
- ۱۰- بیگی، جمال (۱۳۸۴)، بزه دیدگی اطفال در حقوق ایران، تهران: انتشارات میزان.
- ۱۱- باهری، محمد (۱۳۸۴)، نگرشی بر حقوق جزای عمومی (تقریرات)، تهران: انتشارات مجد، چاپ دوم.
- ۱۲- جاویدزاده، حمیدرضا و سید حسن میره ای (۱۳۸۶)، رویکرد بزه دیده محور در پیشگیری از جرم، ش ۱۸.
- ۱۳- حاجی ده آبادی، محمد علی (۱۳۸۷)، امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی، فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۱.
- ۱۴- حسینی، سید محمد (۱۳۸۳)، سیاست جنایی اسلام و ایران تهران: انتشارات سمت.
- ۱۵- خاقانی اصفهانی، مهدی (۱۳۹۰)، تعامل سامانه های اطلاعات جغرافیایی با جرم شناسی وضعی در پیشگیری از بزه دیدگی گردشگران خارجی در ایران، مجله تحقیقات انتظامی- اجتماعی فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، شماره ۱.
- ۱۶- خاقانی اصفهانی، مهدی (۱۳۹۰)، میانکنش جرم شناسی رشد با GIS؛ راهبرد جنگ نامتقارن سایبری علیه عفت زدایی از جوانان، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش های راهبردی نظم و امنیت اجتماعی، فرماندهی انتظامی استان اصفهان.
- ۱۷- خاقانی اصفهانی، مهدی (۱۳۹۰)، نقد عدالت کیفری ترمیمی در گفتمان جرم شناسی غربی از منظر سیاست جنایی قرآن کریم، مجله فصلنامه علمی پژوهشی کاوشی نو در معارف قرآنی، ش ۱.
- ۱۸- خسروشاهی، قدرت الله (۱۳۸۱)، تأملات فلسفی در عدالت ترمیمی، فصلنامه بصیرت، شماره ۳۴.
- ۱۹- خواجه نوری، یاسمن (۱۳۸۲)، تحولات سیاست جنایی ایران پس از الحاق به کنوانسیون حقوق کودک، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۰- رایت، مارتین و همکاران (۱۳۸۴)، عدالت ترمیمی (مجموعه مقالات)، ترجمه امیر سماواتی پیروز، تهران: انتشارات خلیلیان.
- ۲۱- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴)، بزه دیده شناسی حمایتی. چاپ اول. تهران: نشر دادگستر.
- ۲۲- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۵)، تحولات حقوق جهانی بزه دیدگان بر پایه اصل هم ترازوی حقوق بزه دیده و متهم در بستر دادرسی عادلانه، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۶-۵۷.
- ۲۳- رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۸۹)، دکترین احیای نفس و رابطه آن با عدالت ترمیمی، دوره ششم، شماره ۱۶.
- ۲۴- سماواتی پیروز، امیر (۱۳۸۴)، میانجی گری (رویکرد مشارکتی با مدیریت حبس)، فصلنامه اصلاح و تربیت، شماره ۴۷.
- ۲۵- سماواتی پیروز، امیر (۱۳۸۴)، ناتوانان بزه دیده؛ از بایسته های جرم شناختی تا قوانین و مقررات کیفری، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳.
- ۲۶- شاکری گلپایگانی، طوبی (۱۳۸۵)، سیاست جنایی اسلامی، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق.
- ۲۷- شریف زاده، علی (۱۳۸۳)، پیوند دادن پیشگیری از جرم به عدالت ترمیمی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸-۴۹.
- ۲۸- شیرینی، عباس (۱۳۸۵)، عدالت ترمیمی، مبانی و کنشگران، پایان نامه دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۹- صلاحی، جاوید (۱۳۸۹)، کیفرشناسی، تهران: نشر میزان.
- ۳۰- صانعی، پرویز، ۱۳۷۶، حقوق جزای عمومی، ج ۱، کتابخانه گنج دانش.
- ۳۱- عباچی، مریم (۱۳۸۰)، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ۳۲- عبادی، شیرین (۱۳۷۶)، حقوق کودک تطبیقی، تهران: انتشارات کانون.
- ۳۳- عباسی، مصطفی (۱۳۸۳)، افق های نوین عدالت ترمیمی در میانجی گیری کیفری، تهران: انتشارات دانشور.

- ۳۴- عزیزی، حشمت الله (۱۳۸۸)، بسترهای تاریخی عدالت ترمیمی در ایران، تهران: نشر روزنامه رسمی کشور.
- ۳۵- علیخواه، فردین و همکاران (۱۳۸۵)، زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۲.
- ۳۶- غلامی، حسین (۱۳۸۱)، «پیش بینی جرم»، تهران: مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی - الهیات و حقوق، سال دوم، ش ۴.
- ۳۷- غلامی، حسین (۱۳۸۲)، عدالت ترمیمی؛ اصول و روش ها، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۴.
- ۳۸- غلامی، حسین (۱۳۸۴)، بررسی جایگاه عدالت ترمیمی در پیش نویس لایحه آیین دادرسی کیفری، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۵.